

آسیائی مہار
و قفقاز

تاریخ امیران منغیتیہ بخارا

صدرالدین عینی

به کوشش مسعود عرفانیان



آسیای میانه
قفقاز

قفقاز و آسیای میانه - ۲۲

انتشارات شیرازه کتاب ما



سرشناسه	: عینی، صدرالدین، ۱۸۷۸-۱۹۵۴م. Aini, Sadriddin
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ امیران منغیتیه بخارا/صدرالدین عینی؛ به کوشش مسعود عرفانیان.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص: نقشه.
فروست	: قفقاز و آسیای میانه؛ ۲۲.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۴۶-۰۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: منغیتیان بخارا — ۱۷۵۳-۱۹۲۰م Mangitids of Bukhara
موضوع	: بخارا (خان نشین) -- تاریخ Khanate of Bukhara -- History
شماره افزوده	: عرفانیان، مسعود، ۱۳۳۴ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۸۴/DK۹۴۸
رده بندی دیویی	: ۷/۹۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۹۷۹۸۱
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س م.
فروست	: قفقاز و آسیای میانه؛ ۲۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
شابک	:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا



تاریخ امیران منغیتیه بخارا

صدرالدین عینی

به کوشش: مسعود عرفانیان

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: آذر ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: تمین

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۱۱

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

تاریخ امیران منغیتیہ بخارا

صدرالدین عینی

به کوشش:

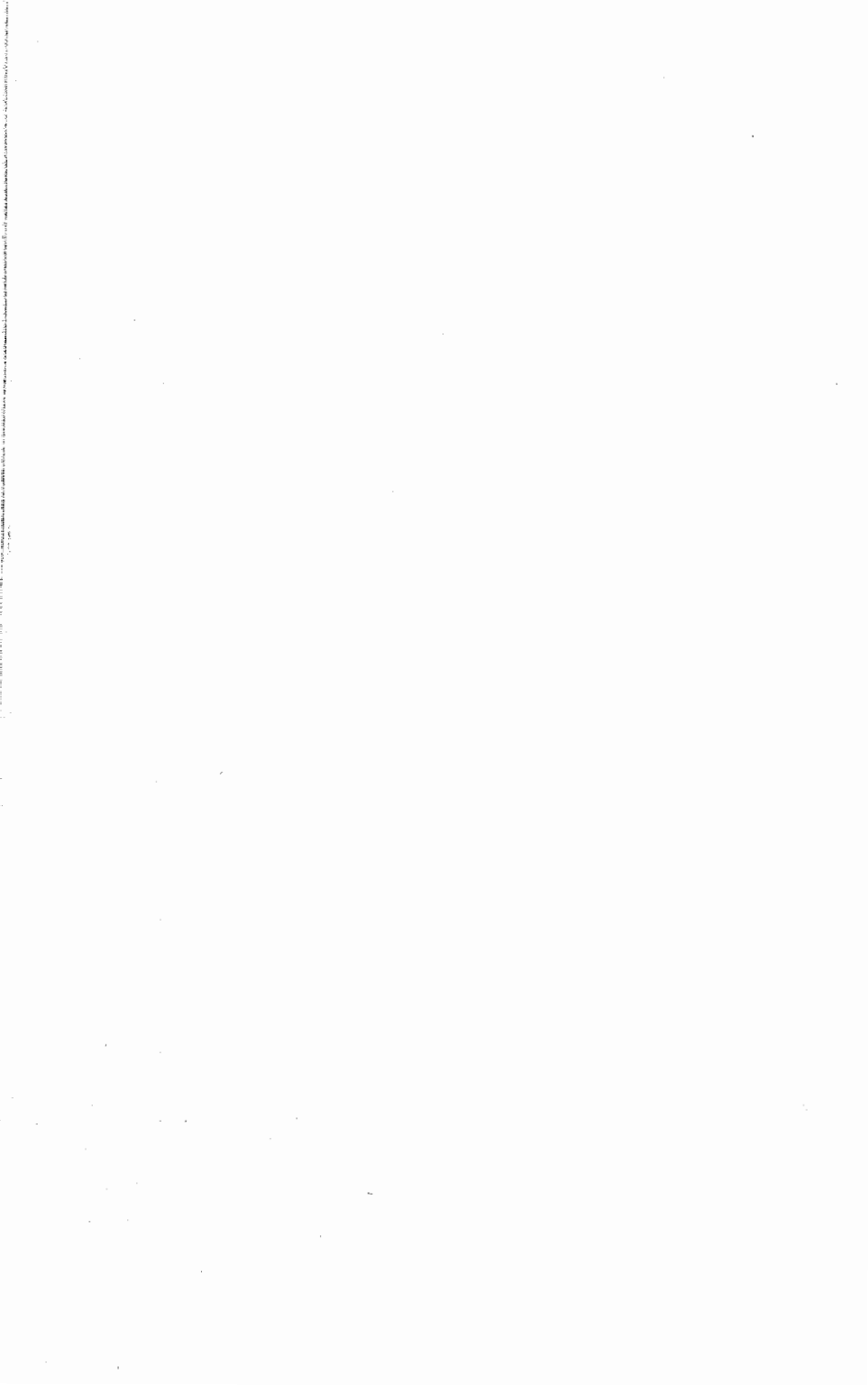
مسعود عرفانیان

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه.....	۹
درباره صدرالدین عینی و کتاب حاضر	۱۱
درباره منغیت‌ها و تبار آنان.....	۲۳
یک- دو کلمه از مرتب.....	۲۷
مقدمه حکمرانی رحیم‌خان بن حکیم آتالیق منغیت	۲۹
۱. شهادت ابوالفیض‌خان به‌دست رحیم‌خان	۳۳
۲. ایام استقلال و وفات رحیم‌خان.....	۳۵
۳. امیر دانیال بن خدایار آتالیق	۳۷
۴. بعضی ملاحظات	۳۹
۵. ذکر جلوس امیر شاه‌مراد (معصوم‌بی).....	۴۱
۶. ذکر جلوس امیر حیدر بن شاه‌مراد.....	۵۱
۷. ذکر جلوس امیر حسین، امیر عمر و نصرالله بهادر	۵۷
۸. امیر نصرالله - انگلیس و روس	۶۰
۹. ذکر جلوس امیر مظفر بن نصرالله بهادر	۷۱
۱۰. امیر مظفر و فرغانه	۷۴
۱۱. امیر مظفر و روسیه	۷۷

۱۲. سقوط دیزخ ۸۱
۱۳. وقایع اختلال ملایان و قتل عام ایشان ۸۵
۱۴. محاربه امیر مظفر و روس در سمرقند ۹۰
۱۵. الحاق سمرقند به دولت روسیه ۹۴
۱۶. آغاز عصیان عبدالملک خان، سقوط پنجشنبه و کته قورغان ۹۸
۱۷. محاربه زیره بلاق و صلح ۱۰۳
۱۸. لشکر کشیدن امیر مظفر برای تأدیب توره و تنکیل ایلاتیه ۱۰۷
۱۹. چاره جستن امیر مظفر از دولت روسیه برای تسکین مواد فساد توره ۱۱۱
۲۰. انجام کار عبدالملک توره ۱۱۷
۲۱. فت شهرسبز و کتاب به دستاری عسکر روسیه ۱۲۲
۲۲. امیر مظفر و افغانستان ۱۲۶
۲۳. امیر مظفر و علما ۱۳۴
۲۴. برخی از احوال امیر مظفر و خاتمه کارش ۱۳۹
۲۵. ذکر امیر عبدالاحد ۱۴۴
۲۶. راه مداخل حکومت بخارا در عهد عبدالاحد ۱۴۹
۲۷. امیر عبدالاحد و علما ۱۵۳
۲۸. امیر عبدالاحد و مسئله مکتب ۱۵۶
۲۹. واقعه شیعه و سنی ۱۵۹
۳۰. بعضی احوال امیر عبدالاحد ۱۶۲
۳۱. نتیجه مسئله مکتب و فتنه شیعه و سنی و وفات عبدالاحد ۱۶۹
۳۲. درجه استقلال و قوه حریه بخارا در عهد عبدالاحد ۱۷۲
۳۳. جلوس امیر عالم و فرمان اصلاحات نخستین ۱۷۶
۳۴. مقایسه میان امیر عالم و عبدالاحد ۱۸۰
۳۵. از اداره امیر عالم یک منظره فاجعه ۱۸۳
۳۶. اشخاص مشهور عهد امیر عالم ۱۸۷
۳۷. در بخارا فکر انقلاب ۱۹۰

۳۸. مسئله اصلاحات	۱۹۴
۳۹. تأثیر انقلاب فورال [فوریه] به بخارا	۱۹۷
۴۰. ارتجاع امیر و قوشیگی	۲۰۱
۴۱. نسخه فرمان اصلاحات	۲۰۵
۴۲. نمایش و عکس‌الحرکت	۲۰۸
۴۳. امید جوان بخارانیان و معامله حکومت بخارا	۲۱۳
۴۴. حکومت امیر عالم از انقلاب روسیه چه استفاده برد؟	۲۱۸
۴۵. انقلاب اکتیابر، حکومت بخارا و جوان‌بخارانیان	۲۲۰
۴۶. واقعه کالیسف	۲۲۳
۴۷. سیاست امیر عالم بعد از واقعه کالیسف	۲۲۸
۴۸. بعد از وقایع کالیسف جوان‌بخارانیان و وقایع سال ۱۹۲۰	۲۳۳
۴۹. تفصیل فرار امیر عالم	۲۳۶
۵۰. لطیفه	۲۳۹
خاتمه	۲۴۱
ایضاحات	۲۴۴
نمایه پاره‌ای از واژگان و عبارت‌ها	۲۴۸
فهرست منابع و مآخذی که در شرح و معانی واژگان، عبارات و توضیحات	
تکمیلی مورد استفاده قرار گرفته است	۲۶۵
نقشه	۲۶۶
نمایه	۲۶۹



یادداشت دبیر مجموعه

گفته می‌شود که مقامات روسیه تزاری در پی چیرگی بر آسیای میانه با درس گرفتن از تجارب حکمرانی بر حوزه‌های مسلمان‌نشین قفقاز، بر آن شدند تا جایی که به نشر معارف جدید و توسعه مبانی تجدّد مربوط می‌شد جوامع مسلمان آسیای میانه، به‌ویژه امارات تحت‌الحمایه آن حدود، بخارا و خیوه و خوقند را به حال خود بگذارند؛ جهل و عقب‌ماندگی بیشتر، اطاعت و سربزیری بیشتر.

سرگذشت هولناک مردم آن سامان در دوره حکمرانی امیران منغیّیه، به‌ویژه دوره متأخر آن که با گسترش پاره‌ای از اصول ترقی و تجدّد در بسیاری از حوزه‌های همجوار این خطه نگون‌بخت مقارن بود، و همچنین رشته تحولاتی که به سرنگونی این امیرنشین به‌دست بلشویک‌ها منجر شد از جمله مضامینی است که صدرالدین عینی بدان پرداخته است.

سرگذشت *امیران منغیّیه بخارا* از آثار اولیه عینی و از جمله نوشته‌هایی است که اندک زمانی بعد از سقوط امیرعالم‌خان آخرین امیر بخارا از مسند قدرت، در میانه سعی و تلاش جدیدی‌های آن حدود برای تأسیس یک نظام جدید و پشت‌سر گذاشتن آن دوره سیاه منتشر شد.

اگرچه جدای از تجارب شخصی صدرالدین عینی که فقط به دوره کوتاهی از آخرین روزهای حکمرانی امیران منغیّیه محدود می‌شد، مأخذی که برای تدوین تاریخچه تحولات پیشین امارت بخارا در دست داشت کم و اندک بودند، و

به علاوه این رشته مقالات جنبه‌ای تبلیغی و تهییجی نیز داشت، و در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی موضوع بررسی‌ها و نقدهایی نیز بوده است^۱، ولی با این حال، روایت وی از این دوره، روایت دور از واقعی نیست.

این هم از تیره‌بختی مردمان آن سامان، خویشان دور و نزدیک ماست که آن سعی و تلاش نیز در پی استقرار حاکمیت شوروی با نوع دیگری از استبداد و خودکامگی توأم شد که بی‌شبهت به نظام پیشین نبود و هم‌اینک با آنکه حدود سی سال از فروپاشی اتحاد شوروی می‌گذرد تا جایی که به آزادی‌های سیاسی و امکان تغییر و اصلاح مربوط می‌شود، مردم آسیای میانه هنوز اسیر امرای جابر و خودکامه خود هستند.

کاوه بیات

۱. برای مثال بنگرید به مقاله «فتنه انقلاب در بخارا»، به قلم استاد محمدجان شکوری بخارایی در پان‌ترکیزم و سرنوشت تاریخی تاجیکان به کوشش دکتر مصطفی باباخانی، تهران: آرون، ۱۳۹۹، صص ۵۸-۱۸۰.

درباره صدرالدین عینی و کتاب حاضر

صدرالدین سیدمرادزاده، متخلص به «عینی» در سال ۱۲۵۶ خ/ آوریل ۱۸۷۸ م، در روستای «ساکتری» در ناحیه غجدوان شهر بخارا به دنیا آمد. پدرش سیدمراد خواجه بن سیدعمر خواجه، مردی باسواد بود که به جز دهقانی، پیشیه بافندگی و تراش چرخ آسیاب را هم داشت و مادرش زیورآی نیز دهقان زاده بود. عینی از ۶ سالگی در مکتب مسجد روستای «ساکتری» تحصیل نمود و به دلیل شیوه کهنه تدریس و بی سوادى مکتبداران به توصیه پدرش به مکتب دخترانه بی بی خلیفه که خودش نیز در همانجا تدریس می نمود رفت. در آنجا به جز از «هفت یک» و «چهار کتاب» با اشعار سعدی، حافظ و صائب آشنا شد. پدرش مهری ژرف نسبت به ادبیات و علم و معرفت در دل عینی نشاند.

در سال ۱۲۶۷ خ/ ۱۸۸۹ م، شیوع بیماری وبا در بخارا بسیاری را به کام مرگ کشاند و همین وبا نخست جان پدر و سپس جان مادر صدرالدین را هم گرفت و او در یازده سالگی مسئولیت تربیت برادرانش را عهده دار شد.

چندی بعد عینی به بخارا رفت و پس از آشنایی با شریفجان مخدوم صدرضیاء که از ادیبان بلند آوازه عصر خود بود، به خانه او راه یافت و در آنجا با ادیبانی چون عبدالواحد منظم، ملانذرالله لطفی و میرزا عبدالعظیم سامی بوستانی، عبدالله خواجه تحسینی و چند تن دیگر آشنا شد. همچنین به طور غیرمستقیم با افکار و اندیشه های

احمد مخدوم دانش (احمدکله)، شمس الدین شاهین، میرزا حنیت صهبا آشنایی یافت که در رشد اندیشه‌ها و افکار او نقش داشتند. به‌ویژه احمد دانش که نه تنها بر عینی که بر بسیاری دیگر از ضیائیان (روشنفکران) هم‌دوره خود و پس از خود تأثیری ژرف داشت و موجب دگرگونی و تحول دیدگاه‌های آنان شده بود.

صدرضیاء با دیدن استعداد، تلاش و پشتکار عینی مصلحت دانست که او در بخارا به تحصیلات خود ادامه دهد، از این‌رو عینی و برادرش محی‌الدین در حجره‌ای در مدرسه «میرعرب» بخارا که از مدارس مشهور در آن هنگام بود ساکن می‌شوند. در سال‌های نود سده نوزدهم عینی تحصیلاتش را که به‌طور معمول به مدت نوزده سال طول می‌کشید در مدارس میرعرب، عالم‌جان، حاجی‌زاهد و بدل‌بیک ادامه داد و صرف و نحو زبان عربی، منطق و شرح ملاجیمی و دیگر دروس را فراگرفت که به نظرش چندان سودمند نبوده است.

در تمامی این سال‌ها، عینی برای گذران زندگی در خانه‌های ملایجی‌ها و صاحبان مدرسه‌ها از آشپزی گرفته تا فراشی و خدمتکاری هم کرد. مناسبات ناعادلانه موجود در بخارا و رفتار حاکمان با مردمان عادی و زندگی سخت و دشوار ناشی از مناسبات نابرابر ارباب و رعیتی در بخارا، وجود مالیات‌های سنگین و جور و ستم درباریان نسبت به مردم، چشمان عینی را به روی واقعیات گشود و او را به سوی عدالت‌خواهی، ترقی‌پروری و معارف‌پروری که در جنبش جدیدیه در بخارا، سمرقند و دیگر نقاط آسیای میانه خود را نمایان ساخته بود کشاند.

عینی خیلی زود و در ۱۵ سالگی سرودن شعر را آغاز نمود و سروده‌هایش را با تخلص‌های «سفلی»، «محتاجی» و «جنونی» امضاء می‌نمود تا اینکه از ۱۸۹۶م، تخلص عینی را برگزید و تا پایان عمر، همین تخلص را داشت.

در سال ۱۹۰۷م، عینی با کمک عبدالواحد منظم که یکی از جدیدان فعال به‌شمار می‌رفت مکتبی با روش اصول نوین بنا نمودند و به همین مناسبت، عینی کتاب درسی «تهذیب الصبیان» را نوشت. در سال ۱۹۱۶-۱۹۱۵، هنگامی که عینی از کار تدریس باز داشته شد به کار در کارخانه پنبه «قراتپه» مشغول شد، اما پس از چندی به کار تدریس بازگشت. این زمان او سروده‌های خود را در مجله‌های «شورا» و «آئینه» به چاپ می‌رساند.

عینی به سبب فعالیت‌های ترقی‌خواهانه خود در سال ۱۹۱۷م به دستور امیرعالم‌خان، حاکم وقت بخارا دستگیر و به خوردن ۷۵ ضربه چوب محکوم شد. او دستگیر و حکم درباره‌اش اجرا شد و عینی تا آستانه مرگ هم پیش رفت، اما چند روز بعد با ورود بلشویک‌ها، عینی توسط آنان به کاگان برده شد و در آنجا تحت درمان قرار گرفت و پس از ۵۲ روز معالجه و ۲۵ عمل جراحی، رفته‌رفته سلامتی خود را بازیافت و به سمرقند رفت.

با پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و سپس تشکیل کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تاجیکان که از سوی محافل و جریان‌ات پان‌ترکیست و ازبک‌گرا، تحت فشار قرار داشتند و آنان در تلاش برای محو و از میان بردن فرهنگ و تمدن تاجیکان بودند، تاجیکان توانستند از هویت مستقل قومی و زبان متعلق به آن دفاع نموده، آن را جا انداخته و به مسئولان و مقامات بقبولانند. در این میان نقش صدرالدین عینی با انتشار «نمونه ادبیات تاجیک»، بسیار بارز و چشمگیر بود. انتشار این کتاب موجی از خشم و نارضایتی علیه صدرالدین عینی ایجاد نمود و تحریکاتی علیه او را باعث گردید و حتی خطر مرگ او را تهدید می‌نمود که با وساطت ابوالقاسم لاهوتی غائله پایان پذیرفت و توطئه‌گران ناکام ماندند.

صدرالدین عینی که پس از انقلاب ۱۹۱۷م در سمرقند و تاشکند زندگی می‌کرد و در عین حال با تمام وجود و ظرفیت خود در خدمت حکومت شوروی بود، به تألیف آثار و سرودن شعرهایی پیرامون انقلاب و دستاوردهای سوسیالیسم پرداخت. عینی نخستین رئیس آکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان بود که در سال ۱۹۵۱ به این منصب انتخاب شد و تا سال ۱۹۵۴م به کار خود ادامه داد. او همچنین در سال ۱۹۴۳م به عضویت افتخاری آکادمی علوم جمهوری شوروی ازبکستان برگزیده شد.

صدرالدین عینی در طول فعالیت‌های ادبی خود در زمینه‌های گوناگونی چون روزنامه‌نگاری، سرودن شعر - که بعدها از آن دست کشید - نویسندگی - داستان، قصه و رمان -، تاریخ‌نگاری و فرهنگ‌نویسی و دیگر عرصه‌ها دست به قلم برد و آثار درخور توجهی از خود برجای گذاشت. او به زبان ازبکی نیز تسلط کامل داشت و آثاری از این زبان از وی برجای مانده است.

«تہذیب الصبیان»، «یادداشت‌ها»، «مرگ سودخور»، «نمونه ادبیات تاجیک»، «شورش واسع»، «تاریخ انقلاب فکری در بخارا»، «جلادان»، «مختصر شرح حال خودم»، «داخونده»، «تاریخ امیران منغیتیه» و چند کتاب دیگر، تعدادی مقاله و شعر از عینی برجای مانده است.

بسیاری از آثار صدرالدین عینی، پس از انتشار، به زبان‌های مختلف خلق‌های شوروی مانند روسی و دیگر زبان‌های خارجی ترجمه و همین نیز موجب شهرت جهانی او شده بود. نام عینی از اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی در ایران مطرح شد، تا اینکه با چاپ کتاب «یادداشت‌ها»ی او توسط سعیدی سیرجانی، او بیش از پیش به خوانندگان ایرانی معرفی شد. در پس از فروپاشی شوروی و برقراری روابط ادبی و فرهنگی میان ایران و تاجیکستان و به‌ویژه در سال‌های اخیر تعدادی از کتب‌های عینی در ایران چاپ و نشر شده است که از آن میان می‌توان به «مرگ سودخور»، «جلادان»، «مختصر شرح حال خودم»، «تاریخ انقلاب فکری در بخارا» و «نمونه ادبیات تاجیک» و غیره، اشاره نمود.

تنی چند از ادیبان ایرانی، صدرالدین عینی را از نزدیک دیده و با او مراوده ادبی داشته‌اند. سعید نفیسی، ادیب و پژوهشگر نامی، پس از انتشار «نمونه ادبیات تاجیک» در ۱۹۲۶م، مقاله‌ای درباره آن نوشت که در شماره ۶۹۹ روزنامه «شفق سرخ» در ۲۸ شعبان ۱۳۴۵هـ/ ۳ مارس ۱۹۲۷م به چاپ رسید. سپس سعید نفیسی خاطرات خود از ملاقات‌هایش با عینی را به اتحادیه نویسندگان تاجیکستان فرستاد، که تحت عنوان «گفتگو با یک انسان بزرگ» در شماره ۱۰-۹، دسامبر ۱۹۶۸ مجله «اخبار» (نشریه «آپ‌ن»، خبرنگاری شوروی) به چاپ رسید. سال‌ها بعد نفیسی در یک سفر فرهنگی به مناسبت بیستمین سالگرد تشکیل جمهوری ازبکستان شوروی، عینی را از نزدیک دیدار نمود و سپس برای بار دوم در همایش سالگرد امیرعلیشیر نوایی به دعوت دولت ازبکستان عینی را دیدار نمود.

علی‌اصغر حکمت دیگر دانشمند ایرانی نیز در سال ۱۹۴۸م به هنگام شرکت در پانصدمین سالگرد امیرعلیشیر نوایی، با عینی ملاقات نمود و پس از بازگشت، قطعه شعری به نام عینی سرود و برای او فرستاد که در شماره ۴ تیرماه ۱۳۲۷خ مجله «پیام نو» چاپ شد. عینی هم در پاسخ به او شعری سرود که آن نیز در شماره ۹

سال ۱۹۵۸م در مجله «دروز بانرودوف» چاپ شد.

در شماره ۸ سال ۱۳۲۳خ مجله وزین «سخن» به سردبیری پرویز ناتل خانلری، در مقاله‌ای، صدرالدین عینی در ردیف سخن‌سرایان نامی فارسی‌زبان چون امیرخسرو دهلوی، نظامی گنجوی و خاقانی شروانی قرار داده شده است. حبیب یغمایی، کریم کشاورز و... نیز به مناسب‌هایی از صدرالدین عینی نام برده‌اند. صدرالدین عینی در سال ۱۹۵۴م/۱۳۳۲خ در شهر استالین‌آباد (دوشنبه کنونی) درگذشت و در «چهارباغ عینی» (پارک عینی)، به خاک سپرده شد.

«تاریخ امیران منغیتیه بخارا»ی صدرالدین عینی

این کتاب یکی از نخستین آثار تاریخی صدرالدین عینی است که آن را در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۸، با القای نیاکان نوشته است. بخش اول این اثر در شماره ۵۰، بیستم سپتامبر سال ۱۹۲۰ مجله «شعله انقلاب»، تحت عنوان «تاریخ سلسله منغیتیه، که در بخارا حکم راندند» چاپ و ادامه آن نیز در شماره‌های آتی همان مجله که آخرین بخش آن در شماره ۹۰، نوامبر ۱۹۲۰، چاپ شده و به پایان رسیده است. به نوشته خود عینی (ص...)، این سلسله مقالات تا انقلاب بخارا در سال ۱۹۲۰ ادامه داشته است. سپس این اثر به شکل کتابی جداگانه در سال ۱۹۲۳م، در نشریات دولتی ترکستان، در شهر تاشکند (پایتخت کنونی جمهوری ازبکستان) به چاپ رسید. در این اثر چگونگی شکل‌گیری سلسله منغیتیه بخارا با روی کار آمدن بنیانگذاران آنها محمدرحیم‌خان در سال ۱۷۵۳م و حکومت نزدیک به یکصدوپنجاه ساله آنان تا آخرین امیر این سلسله، امیرعالم‌خان که با حمله بلشویک‌ها به بخارا در سال ۱۹۲۰م سرنگون و به افغانستان گریخت بررسی شده است و چون بخشی از موضوع اصلی کتاب به آن اختصاص دارد از پرداختن به جزئیات آن خودداری می‌شود.

در این اثر، عینی در کنار ارایه گزارشی دقیق از رویدادها و دگرگونی‌های سیاسی- اجتماعی دوره حکومت منغیتیان و روابط آنان با روسیه و دیگر خان‌نشین‌ها در ماوراءالنهر، به طرز معیشت مردم آن روزگار و چگونگی رفتار ناعادلانه حاکمان با آنان نیز توجه نموده و به فراخور به موضوعاتی چون مناسبات

ارباب- رعیتی، مسایل ارضی و دهقانی و موضوع مالیات‌ها و فشارهایی که از این طریق به دهقانان و دیگر مردمان عادی وارد می‌شده اشاره نموده است.

عینی در نگارش این کتاب از آثاری استفاده کرده که خود در پایان کتاب و در بخشی به نام «خاتمه» به نام آنها اشاره کرده است (عینی، ۱۴۰۱، ص....).

از میان این منابع، کتاب «تاریخ سلاطین منغیته» میرزا عبدالعظیم سامی که توسط ل.م. پیفانوا در سال ۱۹۶۲ در مسکو چاپ شده و عینی در اینجا از آن به عنوان «تاریخ امیران منغیت» نام برده، «سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه» نوشته آرمینوس وامبری، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان، چاپ ۱۳۳۸خ، تهران که تاکنون شش بار چاپ شده است و عینی از ترجمه ترکی از یکی آن «درویشینگ اورتا آسیاده سیاحتی» و «تاج‌التواریخ»، استفاده کرده است. درباره دیگر منابع نیز، عینی در کتاب خود جسته‌گریخته آگاهی‌هایی در اختیار خواننده قرار داده است.

تقریباً در تمامی مواردی که عینی به این آثار ارجاع داده، تنها به ذکر نام اثر و نویسنده اکتفا کرده و از ذکر شماره صفحه‌ها خودداری نموده است. در بیشتر مواضعی که عینی از این آثار استفاده کرده، با آوردن کلمه «عیناً» نشان می‌دهد که به شیوه نقل قول مستقیم و یا با دخل و تصرف اندکی، از آنها استفاده کرده است. به عنوان نمونه سامی نوشته:

توره از بخت بد در ستیز شده از راه چول رفتن مضافات افغان را مقرر کرده چند نفر مرد راه‌دان بلد از پرورد گرفته و در وقت سواری بدیوار مهمانخانه پرورد بخط خود نوشت که بیت
یکنفسی در مکتب چشم ترم تعطیل نیست به
طفل اشک من نداند شنبه و آدینه را^۱

و عینی، همانگونه که اشاره شد، بدون ذکر شماره صفحه آورده:

بنابراین توره از بخت بد در ستیز شده از راه چول و بیابان رفتن به

۱. میرزا عبدالعظیم سامی، تاریخ سلاطین منغیته، نشر متن، مقدمه، ترجمه و ایضاحات، ل.م. پیفانوا، ۱۹۶۲، مسکو، ص ۹۵-۹۴ (100a-996).

افغانستان را مقرر کرده از پرورد چند آدم راه‌بلد گرفته در وقت سواری به دیوار مهمانخانه پرورد به دستخط خود نوشت که:
یک نفس در مکتب چشم توام تعطیل نیست
طفل اشک من نداند شنبه و آدینه را^۱

نمونه‌ای دیگر:

بعد از رخصت دادن توره خدایار ایشیک آقاباشی رئیس فساد [فصاد؟]
بسمرقند رفته بدرون جامعه منغیت آن دیار سکنی کرد.^۲

و عینی بازهم بدون اشاره به شماره صفحه آورده:

و بعد از رخصت توره خدایار ایشیک آقاباشی رئیس فساد [فصاد؟] به
سمرقند رفته به درون جامعه منغیت آن دیار اقامت اختیار کرد.^۳

بازهم نمونه‌ای دیگر:

عمریک‌بی دادخواه یوز و خدایار ایشیک آقاباشی منغیت و الماس‌بی
با چهارهزار نفر مبارز مسافر که از هر ولایت برکاب توره آمده بمنزله
خاصه خیل و فدایی توره بودند توره را بمیان گرفته در حفظ و
حراست او کوشیده و سپاه قرشی را در نزدیک او نمیگذاشتند چون از
قرشی پیش رفت کار یأس کلی روی داد توره بطرف شهرسبز روانه
شده بقورغان یرتی تپه رسید.^۴

نوشته عینی، بدون اشاره به شماره صفحه مأخذ:

عمری دادخواه یوزباشی، خدایار ایشیک آقاباشی منغیت و الماس‌بی با
چهارهزار نفر مبارز مسافر که از هر ولایت به رکاب توره آمده به منزل
خیل خاصه و فدایی او بودند، توره را به میان گرفته در حفظ و

۱. صدرالدین عینی، تاریخ امیران منغیتیه بخارا (کتاب حاضر)، ص ۸۱ متن اصلی، متن با الفبای فارسی.

۲. میرزا عبدالعظیم سامی، همان، ص ۸۸.

۳. صدرالدین عینی، همان، ص ۷۸.

۴. میرزا عبدالعظیم سامی، همان، ص ۸۶.

حراست او کوشیده، سپاه قرشی را به نزدیک او نمی گذاشتند که برسند. چون توره را از قرشی یأس کلی روی داد، به طرف شهرسبز روانه شده، به قورغان یار تپه (که در بالای راه خزار و شهرسبز در میانه واقع است) منزل کرد.^۱

موارد دیگری از استفاده از همین منبع بدون اشاره به نام و یا شماره صفحه آن و همچنین منابع و مآخذ دیگری که عینی از آنها نام برده دیده می شود که ضرورتی در اشاره تک تک به آنها وجود ندارد. اما مقایسه میان نوشته های عینی، با نوشته های منابع، به ویژه در همین سه موردی که به عنوان نمونه انتخاب و به آنها اشاره شده، نشان می دهد که عینی نوشته های منابع مورد استفاده خود را عیناً و یا با اندکی دخل و تصرف در آنها، آورده است، اما ما همه آنها را در اختیار نداریم تا آنها را با آنچه که مورد استفاده عینی قرار گرفته است بسنجیم.

درباره سلطنت و حکمرانی منغیته ها، اعم از تمام ادوار حکمرانی این سلسله در آسیای میانه و یا دوره پادشاهی یک نفر از این سلسله، به غیر از صدرالدین عینی، کسان دیگری نیز آثاری نوشته اند که از آن میان می توان به احمد مخدوم دانش (احمد دانش / احمد کله)، محمدشریف جان صدرضیاء، عبدالرئوف فطرت، ملاجمعه قل خُمولی، میرزا سلیم بیگ، ملا محمدصادق قراول بیکی متخلص به گلشنی، محمدعلی بلجوانی و میرزا عبدالعظیم سامی بوستانی - که ذکر آن رفت - و تعدادی دیگر آثاری از خود برجای گذاشته اند که برخی از آنها چندان شناخته شده نیستند و تعدادی از آنها مانند همین کار میرزا عبدالعظیم بوستانی و یا اثر کم حجم ولی بسیار مفید «رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیته»، جزوه «دوره حکمرانی امیرعالم خان» عبدالرئوف فطرت، «تاریخ نافع» محمدعلی بلجوانی، «تحفه شاهی» میرزا عبدالعظیم بوستانی، «تاریخ حزن الملل / خاطرات امیرعالم خان» - که چون در ژانر خاطره نویسی است، از آن در میان کتاب های تاریخی نام نبردیم - چه در دوره شوروی و چه پس از آن در خود شوروی و یا پس از فروپاشی شوروی ها در تاجیکستان و دیگر کشورها مانند ایران چاپ و منتشر شده اند.

درباره چاپ این کتاب عینی، خود او در کتاب توضیحاتی داده که نیازی به تکرار آنها نیست. اما یادآور می‌شود، این چاپ که برگردان آن به الفبای فارسی، پیش روی خوانندگان گرامی است، زیر نظر هیئت تحریریه‌ای متشکل از س. عمروف، م. تورسون‌زاده، ع. دهاتی، خ. عینی و ح. نعمت‌الله‌یف تهیه شده و ک. عینی و رحیم هاشم آن را برای چاپ آماده نموده و با ویراستاری رحیم هاشم در دهمین مجلد از کلیات صدرالدین عینی گنجانده شده و در سال ۱۹۶۶م، از سوی نشریات «عرفان» در شهر دوشنبه چاپ و نشر شده است.

نکاتی درباره کار نویسه‌گردانی (برگردان) کتاب حاضر

در نویسه‌گردانی اثر حاضر از الفبای سیریلیک به الفبای فارسی، واژگان عیناً کلمه به کلمه نویسه‌گردانی شده و هیچ تغییری به جز از تغییرات شکلی جزئی در آن داده نشده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱. اگرچه در متن اصلی کتاب از نشانه‌های سجاوندی مطابق معمول استفاده شده است، اما بنا به ضرورت در پاره‌ای از صفحه‌های متن برگردان، نیاز به افزودن این نشانه‌ها دیده می‌شد که این کار صورت پذیرفت.

۲. در برخی از صفحه‌های متن اصلی، نویسندگان به تناسب موضوع از فرد (مصرع) و یا بیتی به عنوان زبانزد استفاده نموده که کامل نبوده و یا با اصل آن تفاوت دارد. در این گونه موارد، اصل آن زبانزد را یافته و در درون متن برگردان شده و یا در زیرنویس‌ها، در میان نشانه [...] قرار داده‌ایم تا مشخص شود که افزوده نویسه‌گردان است.

۳. در سرتاسر متن به جای نام‌ها، نام اشخاص، واحد وزن، پول و دیگر چیزهایی از این دست اشاره شده که معانی آنها برای خواننده فارسی‌زبان ناروشن است. تا جایی که امکان داشته، معانی آنها را از منابع و مآخذ معتبر یافته و به همراه توضیحاتی درباره آنها به متن افزوده‌ایم. به جهت تفکیک این افزوده‌ها با نوشته‌های متن اصلی، تمامی آنها در میانه نشانه [...] نوشته شده است. در کل تمامی نوشته‌های میان نشانه [] در متن برگردان، چه در داخل متن و چه در زیرنویس، افزوده‌های نویسه‌گردان است.

۳. درباره ضبط برخی جاینام‌ها، نام قبایل و اینگونه نام‌های دیگر، بیشتر از متن اصلی پیروی شده است. به عنوان نمونه، در متن اصلی همه جا «قرغیز»، «کینه گس»، «قچاق» و... به همین صورت ضبط گردیده شده که در برگردان نیز تغییر در آن داده نشده است. در پاره‌ای مواضع که امکان تشخیص درست ضبط برخی جاینام‌ها از روی املای سیریلیک آنها وجود نداشت^۱، با مراجعه به برخی نسخ خطی که امکان دسترسی به آنها وجود داشت، ضبط آنها ملاک قرار گرفته است. مانند «خزار» که می‌توانست «خوزار» هم نوشته شود، اما با مراجعه به «تاریخ سلاطین مغنیتیه» میرزا عبدالعظیم سامی بوستانی، چاپ ۱۹۶۲ مسکو، ضبط آن مأخذ به صورت «خزار» مورد استفاده قرار گرفت.

اما در عین حال مواردی هم وجود داشت که از این جهت مستثنی است. مانند «کینه گس» که نام یکی از طوایف ازبک است و در منابع موجود به صورت‌های «کیناگس»^۲، «کنکسیه»^۳، «کنیکسیه/کنیکسه»^۴ ضبط شده است که چون مأخذی در دست یافتن به ضبط درست آن در دست نبود، اینجا نیز ضبط خود عینی را مورد استفاده قرار دادیم.

۴. در متن اصلی کتاب، هرکجا که به نام پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار اشاره شده مطابق مرسوم در شوروی پیشین از آوردن کوتاه‌نوشت‌های «ص» و «ع» خودداری شده که در متن برگردان آنها را افزوده‌ایم.

۵. در متن سیریلیک کتاب، هرکجا که به تاریخ قمری با اعداد اشاره شده، پس از آن کلمه «هجری» آورده شده است. چون این احتمال که خوانندگان آن را با هجری خورشیدی خلط نمایند وجود داشت، واژه «هجری» حذف و به جای آن از کوتاه‌نوشت «ق» (قمری) استفاده شده است. همچنین است حذف واژه‌های قمری

۱. در الفبای کنونی تاجیکی به دلیل استفاده از یک نشانه برای دو، سه و حتی چهار حرف، مانند «Т» برای (ت و ط)، «С» برای (ث، س، ص) و «З» برای (ذ، ز، ض، ظ)، امکان تشخیص درست آنها به‌ویژه در نام اشخاص ناآشنا دشوار است. به عنوان مثال اگر در نوشته‌ای سیریلیک به خانمی به نام (С. СУЛАЙМОНОВА)، اشاره شده باشد که ما او را نمی‌شناسیم، نخواهیم دانست نام او (ثریا، سیما و یا صفیه) است.

و «میلادی» در جاهایی که نام ماه و سال همراه با «قمری» و «میلادی» با یکدیگر آمده است، چرا که نام ماه قمری و یا میلادی، خود به تنهایی بیانگر نوع سال است. مانند «دهم محرم ۱۳۳۰ هجری» و یا «پنجم ژانویه ۱۹۰۰ میلادی» که به صورت دهم محرم ۱۳۳۰ و پنجم ژانویه ۱۹۰۰ درآمده‌اند.

اما در مواردی که نویسنده به نقل قول مستقیم استناد کرده، تغییری در آن داده نشده است. مانند این عبارت که در نسخه فرمان امیرعالم خان قید گردیده است: «یوم جمعه ۲۸ جمادی‌الثانیة هجرى» و عین عبارت به همان صورت متن اصلی آورده شده است.

۶. در سرتاسر متن اصلی به ضبط‌هایی از تلفظ پاره‌ای واژگان برمی‌خوریم که با تلفظ رایج در میان زادگاه نویسنده ضبط گردیده است، مانند: تلغراف، خدمت، تقویه، همچنین نام ماه‌های میلادی که با تلفظ روسی آنها نوشته شده، مانند: یانوار، فورال، مارت و غیره. در این قبیل مواقع تلفظ رایج در میان فارسی‌زبانان ایران، در میان نشانه [] افزوده شده، مانند: تلغراف [تلگراف]، خدمت [خدمت]، تقویه [تقویت] و یانوار [ژانویه]، فورال [فوریه] و مارت [مارس]. اما در صورت تکرار چندباره یک کلمه، یک یا دو بار این کار انجام گرفته است.

۷. گاهی اوقات، افزوده‌های نوشته‌شده در میان نشانه [] همراه با نشانه پرسش (?) است. وجود علامت پرسش، نشان‌دهنده ابهام و تردید در درستی املاى واژگان نوشته‌شده در متن اصلی است.

۸. در متن اصلی کتاب، درباره پاره‌ای از افراد که نامشان آمده، توضیحاتی نیز داده شده است. اما گاه اتفاق افتاده که این توضیحات پس از دو یا سه بار تکرار آن نام اضافه شده است. اما ما در متن برگردان به الفبای فارسی، این توضیحات را به اولین باری که نام آن فرد برده شده منتقل نموده‌ایم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم تا از همه عزیزانی که در تمامی مراحل کار، از یاری آنان بهره‌مند شده‌ام، سپاسگزاری و قدردانی نمایم، به‌ویژه پروفیسور میرزا ملاحمد، معاونت علمی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان که اصل کتاب را برای تهیه نسخه‌ای فتوکپی از روی آن در اختیارم گذاشتند.

مسعود عرفانیان

